تعهد، عدالتخواهی و انقلابی‌گری در سینمای «کن لوچ»

آثار ضدنظام سرمایه‌داری «لوچ» آنقدر به زبان سینما و هنر نزدیک است که در ۲ دهه اخیر بهترین و بزرگ‌ترین جشنواره‌های سینمایی جهان نتوانسته‌اند آنها را نادیده بگیرند

گزارش
جواد محرمی

هر قدر سینمای ایران به دلیل فقدان صداقت حتی در ارائه ژست عدالتخواهانه با عنوان سینمای اجتماعی در حمایت از محرومان تصویری نامـوزون و اگزجره ارائه داده و به ورطه افراط کشیده شده، «کن لوچ» در انگلستان به‌عنوان فیلمسازی سوسیالیست بخشی از بهتریـن و مهم‌تریـن آثار معاصر سـینمای جهان را درباره تبعیـض و ناعدالتی در نظام سـرمایه‌داری سـاخته و بـه آثـاری مانـدگار تبدیل کرده اسـت.

کن لوچ به‌عنوان فیلمسازی انگلیسی به دلایل مختلف شـهرتی جهانـی یافته اسـت. مواضع سیاسـی او ضد نظام‌های سرمایه‌داری در کنار انتقادهای گاه و بی‌گاه از رژیم‌صهیونیستی از وی فیلمسازی آوانگارد و تحول‌خواه سـاخته اسـت. این تحول‌خواهی البته صرفاً به مواضع لسانی او محدود نمی‌شـود و پیش از آنکه به زبان بیاید در فیلم‌هایش به شـکلی ظریف و هنرمندانه نمود پیدا کرده است. آثاری که با زبان سینما و به شکلی دراماتیک سیاست‌های دولت‌های نئولیبرال در غرب را به بوته نقد می‌کشد.

آثار ضدنظام سرمایه‌داری لوچ آنقدر به زبان سینما و هنر نزدیک اسـت که در دو دهه اخیر بهترین و بزرگ‌ترین جشنواره‌های سینمایی جهان نتوانسته‌اند آنها را نادیده بگیرند. او دو بار نخل طلای جشنواره فیلم کن را به خود اختصاص داده است. یک‌بار در سـال ۲۰۰۶ برای فیلم «بادی کـه در مرغزار می‌وزد» و یک‌بار در سـال ۲۰۱۶ برای فیلم «من، دانیل بلیک» سـینمای لوچ بیشتر به سبک ناتورالیستی نزدیک است و با واقع‌گرایی اجتماعی شناخته می‌شود. در آثار لوچ همواره علیه وضعیت موجود اقامه دادخواهی شده است.

فیلمساز انقلابی

فیلم بادی که در مرغزار می‌وزد با موضوع مبارزه انقلابیون ایرلندی علیه اشغالگری انگلسـتان ساخته شده است. عنوان فیلم از یک سرود انقلابی الهام گرفته که توصیف می‌کند چگونه مرد ناچار اسـت وقتی باد بـر مزارع جو می‌وزد، بین عشق به محبوب و عشـق به ایرلند یکی را انتخاب کند. در این سرود روی آوردن به انقلاب به‌عنوان الزام و وظیفه‌ای که حسرت زندگی آرام را در دامن طبیعت بر دل گوینده می‌گذارد به تصویر کشیده شده است. در واقع موضوع فیلم اشاره به همین وضعیت پارادوکسیکال زیست انقلابیون ایرلندی دارد و دوگانه سازش و مبارزه را برجسته کرده است. لوچ هنگام دریافت نخل طلای کن برای این فیلم اثر خود را روایتی از گذشته امپریالیستی انگلستان دانست و گفت: «اگر ما شهامت بیان حقیقت را درباره گذشته‌مان داشته باشیم، شاید بتوانیم جرئت بیان حقیقت درباره زمان حال را هم به دست آوریم.»

لوچ در آثارش برخلاف بسیاری از فیلمسازان اروپایی به خانواده و ارزش‌های آن علاقه و پایبندی زیادی نشـان می‌دهد. گویـی او در سـاخت آثـارش از اینکه ممکن است به طور بدیهی خانواده مخاطب باشد، غفلت نکرده است. در فیلم «متأسـفیم جا ماندی» کن لوچ بار دیگر مشـکلات اجتماعی یک خانواده انگلیسی را بدون آنکه قصد بزرگنمایی داشته باشـد، نمایش می‌دهد. با وجود اینکه همه آثار لوچ اشاره به سیاست و اجتماع دارد، اما به طرزی ماهرانه از شعار دادن پرهیز می‌کند.

«قوش» شکوایه‌ای از جامعه انگلیسی

لوچ در سال ۱۹۶۹ در دومین تجربه فیلمسازی خود فیلم قوش را سـاخت که روایتگر ماجرای یأس‌آلود نوجوانی نحیف با خانواده‌ای نابهنجار است و همزمان زندگی تیره و تار مردم نواحی صنعتی شـمال انگلستان را به تصویر می‌کشد. فیلم قوش، توسـط بنیاد فیلم بریتانیا در رتبه هفتم ۱۰ فیلم برتر قرار گرفته است. گاردین نیز این فیلم را در فهرست «هزار فیلمی که پیش از مرگ باید ببینید»، قرار داده است.

فیلم قوش در واقع اعتراضی علیه روحیه سلطه و سرکوب در جامعه و به‌خصوص نظام آموزشی بریتانیاست. بیلی کاسـپر نوجوانی ۱۴ سـاله که با مادر و برادر ناتنی‌اش، «جاد» زندگی می‌کند، با مشکلات خانوادگی و اجتماعی روبه‌روسـت. مادرش در آسـتانه ازدواج با مردی عیاش است و برادر عصبی‌اش که در معدن کار می‌کند، معمولاً برخورد مناسبی با او ندارد. بیلی همچنین از مدرسه بیزار است و رابطه پرتنشی با معلمان دارد، آنچنان که به دلیل جثه نحیفش و نداشتن مهارت در فوتبال، توسط مربی ورزش غیرعادی‌اش، مورد تحقیر و آزار قرار می‌گیرد، اما در این احوال، بیلی با یافتن یک جوجه قوش و دست‌آموز کردن آن، زندگی دل‌انگیزی را آغاز می‌کند. تربیت قوش برای بیلی دقیقاً برخلاف آن جنس از تربیتی اسـت که نظام آموزشی و جامعه نسبت به او در پیش گرفته‌اند. او برخلاف معلم‌هایی که سعی می‌کنند به روشی زورگویانه و نامهربانانه شاگردان خود را آموزش بدهند و سلطه‌ای خشن بر بچه‌ها داشته باشند و در این راه از هیچ ملامت و عتاب و کتکی فروگذار نمی‌کنند، سعی می‌کند با پرنده دست‌آموزش به شکلی انسانی رفتار کند. یکی از بهترین سکانس‌های فیلم جایی اسـت که معلم ورزش، مسابقه فوتبالی ترتیب می‌دهد که خودش، هم بازیکن است و هم داور! او به نفع خودش پنالتی می‌گیرد، خطا اعلام می‌کند و بهترین یارها را هم برای خودش برمی‌دارد. در انتها هم البته این بیلی کوچک است که به خاطر گل خوردن، تنبیه شده و در حمام مدرسه زندانی می‌شود.

فیلم‌های ابرقهرمانی مثل همبرگر به درد نخور هستند

نظر لـوچ درباره فیلم‌هـای ابرقهرمانی کـه در هالیوود ساخته می‌شـود هم در نوع خود جالب توجه بوده و در راستای اظهارنظرهای فیلمسازان مستقلی چون مارتین اسکورسیزی و فرانسیس فورد کاپولا قرار می‌گیرد.

او در مصاحبه‌ای با اسـکای نیوز فیلم‌هـای ابرقهرمانی را تجاری و بی‌مصرف خطاب می‌کنـد. «به نظر من این فیلم‌ها خسـته کننده‌انـد. آنها مانند یک کالا سـاخته شده‌اند. درست مانند یک همبرگر. کالاهایی که ساخته می‌شـوند تا کمپانی بزرگی را به سودآوری برسانند و به همین دلیل هیچ ربطی به هنر سینما ندارند.»

حمله به حزب کارگر

مسـائل کارگری همواره یکـی از دغدغه‌هـای لوچ در فیلم‌هایش بوده اسـت. او در فیلم متأسـفم جا ماندی، زندگی یک کارگر را به نام ریکی به تصویر می‌کشد که به همراه همسر خانه‌دارش تلاش می‌کنند خود را از درون باتلاق مشکلات مالی بیرون بکشند. آنها در درون بحران مالی سال ۲۰۰۸ گرفتار شـده‌اند. خانه خود را از دست داده و با انبوهی از مشکلات مواجهند. متأسفم جا ماندی را می‌توان اعتراض دیگری از کن لوچ به نظام سرمایه‌داری قلمداد کرد. این فیلم در بخش رقابتی جشـنواره فیلم کن به نمایش درآمد و لوچ بـا نمایش فیلم جدیدش در هفتاد و دومین دوره این رویداد به انتقاد از سیاستمداران دروغین چپ پرداخت. او با انتقاد از سیاستمدارانی چون اد میلیبند و تونی بلر آنها را حامیان کاپیتالیسـم خواند و عنوان کرد نتیجه کار آنها افزایش ناامنیتی شـغلی در جامعه بوده اسـت. نفوذ به حزب کارگر و اسـتحاله این حزب به سـمت گرایش‌های نئولیبرالی موضوعی است که همواره از سوی بسـیاری از صاحبنظران مطرح بوده است و قرار گرفتن تونی بلر در کنار جرج بوش برای حمله به عراق و افغانستان بیش از همیشه به طرح این موضوع دامن زد که امروز تنها پوسته‌ای از نام کارگر وجود دارد و ماهیت این حزب کاملاً به سود گرایشات سرمایه‌داری متحول شده است.

> مسائل کارگری همواره یکی از دغدغه‌های لوچ در فیلم‌هایش بوده اسـت. او در فیلم متأسفم جا ماندی، زندگی یک کارگر را به نام ریکی به تصویر می‌کشـد که به همراه همسر خانه‌دارش تلاش می‌کنند خود را از درون باتلاق مشکلات مالی بیرون بکشند

پوستر فیلم «قوش»

پوستر سینمایی فیلم «باد در مرغزار می‌وزد»

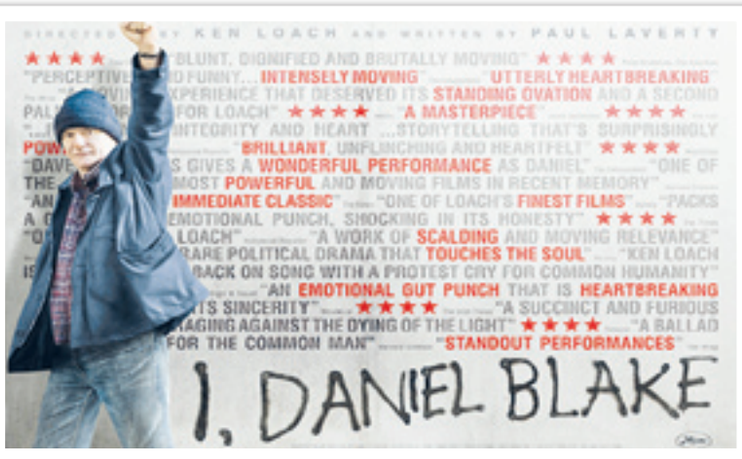

نمایی از فیلم «من، دانیل بلیک»

کن لوچ پس از نمایش فیلم من دانیل بلیک، در کن گفت حمایت از بازار آزاد از سوی چهره‌های چپ میانی به معنی افزایش اقتصاد بزرگ و طبقه کارگری است که ضعیف و در حال نابود شدن اسـت. وی چنین سیاستمدارانی را سیاسـتمداران دروغین چپ خواند. او در فیلم تحسین شده «ببخشید جا ماندی» نیز به ناامنیتی شغلی در دل یک سوژه اجتماعی پرداخته است.

پیتر بردشاو، منتقد گاردین درباره این فیلم کن لوچ نوشت که این اثر هزینه انسانی یک توسعه اقتصادی را به تصویر می‌کشد؛ تصویری که تشویق می‌شویم آن را به‌عنوان یک حقیقت زندگی قبول کنیم. این کارگردان مثل فیلم قبلی، از طریق مصاحبه‌های بسیار که پیش از فیلمبرداری انجام داده، درباره سوژه‌اش تحقیق بسیار کرده و فیلم جزئیات فراوانی دارد، اما به نظرم این فیلم از قبلی بهتر است؛ تنوع و هضم دراماتیک بیشتری دارد و نور و سایه بیشتری در پیشـرفت روایتی داستان اسـت و روی هم رفته امکان نقش‌آفرینی بیشتری برای بازیگران خود دارد.

به باور جفری مک‌نب، منتقـد ایندیپندنت نیز این فیلم به زیبایی انزوا و خشـم موجودیتی را به تصویر می‌کشد که شخصیت‌هایش حس می‌کنند. هر چقدر که بیشتر می‌جنگند تا شرایط خود را تغییر بدهند، آن شرایط بدتر می‌شوند. ممکن است موضوع داستانی فیلم تیره باشد، اما داستان‌سرایی کاملاً مجذوب‌کننده است.

انتقاد از سیاست‌های دولت انگلیس

کن لـوچ در عیـن اینکه آثـارش علیه نظـام ناعادلانه سرمایه‌داری در غرب است، از هر فرصتی استفاده می‌کند تا همان انتقادها را بر زبان نیز جاری کند و همین باعث می‌شـود او چهره‌ای جنجالی در رویدادهای سینمایی باشد. برای مثال لوچ پس از کسـب جایزه آکادمی فیلم بریتانیا، برای فیلم من دانیل بلیک سـخنان تندی علیه دولت انگلیس بر زبان راند.

او پس از کسب این جایزه گفت: از آکادمی فیلم بریتانیا برای حمایت از آنچه فیلم می‌گوید تشکر می‌کنم، چیزی که صدها هزار نفر از مردم کشور می‌دانند و آن این است که آسیب‌پذیرترین و ضعیف‌ترین مردم با رفتار سنگدلانه و وحشیانه دولت روبه‌رو هستند و این خفت‌بار است. این رفتار وحشیانه به جلوگیری از ورود کودکان پناهنده به کشور نیز تسری یافته، کسـانی که ما قول دادیم به آنها کمک کنیم و این نیز مایه ننگ است.

داستان فیلم من دنیل بلیک هستم، درباره زندگی یک نجار است که پس از حمله قلبی بیکار می‌شود و با نظام بروکراتیک تأمین اجتماعی انگلیس مواجهه‌ای پرکشش دارد. همچنین فیلم یک مادر و دختر را نشـان می‌دهد که درگیر تشـریفات اداری در سیستم تأمین اجتماعی انگلیس هستند.

نقد کن لوچ علیه بی‌بی‌سی

انتقادهای کن لوچ به این موارد خلاصه نمی‌شـود و او از هر فرصتی اسـتفاده می‌کند تا خلاف نظم رسانه‌ای در بریتانیا صدایی متفاوت ارائه دهد و انتقاد از پوشش اخبار در شبکه بی‌بی‌سی یکی از این موارد است که به‌زعم او به شدت سیاسی و یکطرفه ارائه می‌شود.

لوچ با هدف گرفتن بی‌طرفی بی‌بی‌سی، پوشش خبری در این شبکه را به شدت سیاسی و دستکاری شده می‌داند و می‌گوید: «بی‌بی‌سی نیاز دارد که دموکراتیزه شود.»

او فضای بی‌بی‌سی را برای کار کردن فاسد می‌داند: «درک از تنوع آنقدر در این شبکه متفاوت است که می‌تواند به یک درام بدل شـود و مفهوم خبر در این شـبکه باید به چالش کشیده شود. بی‌بی‌سی کاملاً بر نقش خود در شکل دادن به آگاهی مردم واقف است و آنچه باید دانست این است که باید به حرف مردم گوش کرد، در حالی که اخبار این شبکه بسیار دستکاری شده و سیاسی است.»

کن لوچ بارها چنین مواجهه‌ای با بی‌بی‌سـی داشته و در کالج دانشگاه لندن نوع پوشش دادن اخبار در بی‌بی‌سی را جانبدارانه خوانده است.

البته کن لوچ سابقه قدیمی همکاری با بی‌بی‌سی را نیز در کارنامه دارد و حدود ۵۰ سال پیش فیلم «کتی به خانه برگرد» را برای بی‌بی‌سی سـاخت که فیلمی خانوادگی درباره بی‌خانمان‌ها بود. با اینحال این همکاری باعث نشد تا او از بیان حق رویگردانی کند.

لوچ می‌گوید بی‌بی‌سی دیگر علاقه‌ای به ساخت درام‌های اجتماعی تلویزیونی ندارد و بیشتر سریال‌های این شبکه در کمپانی‌های دیگر تولید می‌شـوند و مدیران داخلی معتقدند این کابوسی برای بی‌بی‌سی است و برای همین بی‌بی‌سی به محلی برای فساد کارگردان‌ها بدل شده است.

او از انتخاب برنامه‌ها توسط این شبکه نیز انتقاد کرد و با اشاره کردن به سریال «دانتون ابی» گفت چنین درامی نشان‌دهنده چشم‌اندازی درخشان از گذشته‌ای غیرقابل دفاع است. آنها می‌خواهند بگویند خودتان را با آنچه امروز دارد می‌گذرد، خسـته نکنید و فقط در یک نوسـتالژی جعلی غوطه‌ور باشید.

سریال دانتون ابی که سال ۲۰۱۰ پخش شد وقایع یک قصر بزرگ در یورک‌شـر و زندگی یک خانواده اشرافی به نام «خاندان کرالی» را به همراه خدمتکاران‌شان، در دوران پس از سـلطنت ادوارد هفتم و در خلال سلطنت جرج پنجم روایت می‌کند.

به‌زعم لوچ این مجموعه تلویزیونی تاریخ را به سود طبقه اشـراف روایت می‌کند و این تحریف تاریخی به قصد به خواب بردن افکار عمومی بریتانیا ساخته می‌شود و درست در مخالفت با آن چیزی است که یک شبکه رادیویی و تلویزیونی باید باشد. مثل این است که با تماشای این تلویزیون یک مـگادون مصرف کرده باشـید. برنامه‌هایی با کیفیت پایین که می‌خواهند بگویند در خیابان‌ها هیچ خبری نیست.

شورش علیه اسرائیل

کن لوچ فیلمسـازی اسـت که هر جا احساس کند عده‌ای در حال سـتم هسـتند و گروهـی در حال سرکوب وظیفه خود می‌داند که وارد عمل شده و تن به جریان رسانه‌ای غالب ندهد.

برای مثـال لوچ، جشـنواره فیلم «ادینبـورگ» را تهدید کـرد در صـورت دریافت حمایـت مالی از رژیم‌صهیونیسـتی، این رویداد سینمایی را تحریم خواهد کرد.

سفارت رژیم‌صهیونیسـتی در انگلستان با حمایت مالی خواسـتار حضور یک کارگردان اسرائیلی در جشنواره فیلم ادینبورگ اسـکاتلند شده بود که با اعتراض شدید چهره‌های سرشناس سینمای جهان از جمله «کن لوچ» مواجه شد.

لوچ که در جشنواره کن حضور داشت، در بیانیه‌ای ضمـن تحریـم جشـنواره ادینبورگ اعـلام کرد: «اطمینان دارم فیلمسازان زیادی مثل من از اینکه جشنواره ادینبورگ از اسـرائیل پول دریافت کرده است، شوکه شده‌اند. قتل‌عام‌ها، ترورها و آواره کردن مردم غزه از سوی اسرائیل پذیرفتن این کمک مالی را غیرممکن ساخته است؛ من از همه فیلمسازانی که قصد حضور در ادینبورگ را دارنـد، می‌خواهم تا از فلسطین حمایت کنند.»

> لـوچ بـا هـدف گرفتـن بی‌طرفـی بی‌بی‌سـی، پوشـش خبـری در این شبکه را به شدت سیاسی و دستکاری شـده می‌داند و می‌گوید: «بی‌بی‌سی نیـاز دارد کـه دموکراتیـزه شـود.»

او به دنبـال اعتراض و تهدید به تحریم، جشـنواره ادینبـورگ کمـک مالـی ارائـه شـده از سـوی رژیم‌صهیونیسـتی را بازگردانـد. در همین حال، سخنگوی سفارت رژیم‌صهیونیسـتی در انگلیس با انتقاد از مقامات جشـنواره فیلم ادینبورگ، این اقدام «کن لوچ» و دیگر فیلمسـازان را در راستای شـیطانی جلوه دادن و غیرقانونی خواندن اسرائیل دانست. «کن لوچ» همزمان با این اتفاقات فیلم «در جسـت‌وجوی اریک» را در بخش رقابتی جشنواره کن به نمایش درآورده بود که مورد استقبال فراوان تماشاگران و منتقدین قرار گفت.

در کنار فلسطینی‌ها در جشنواره ملبورن

کن لوچ تریبون جشـنواره‌های مختلف را به‌عنوان فرصتی برای دفاع از مظلومان می‌بیند و صرفاً مقهور این رویدادها نیست. او در اعتراض به حمایت مالی رژیم غاصب اسرائیل از جشنواره ملبورن، فیلم خود را از این جشنواره خارج کرد.

او که پیش از این نیز به خاطر انتقاد از سیاست‌های جنگ‌طلبانـه اسـرائیل و امریکا نگاه‌هـا را به خود جلب کرده بود، اینبار به خاطـر حمایت مالی رژیم اسـرائیل از جشنواره سـینمایی ملبورن از نمایش آخرین ساخته خود در این دوره از رقابت‌ها انصراف داد. او در نامه‌ای به «ریچارد مور»، رئیس جشنواره ملبورن»، متذکر شـد که در صورتی که جشـنواره ملبورن حمایت مالی اسرائیل را بپذیرد، فیلم خود را تحت‌عنوان «در جست‌وجوی اریک» از جشنواره خـارج خواهد کـرد. لوچ در ایـن نامـه آورده بود: فلسطینی‌ها، اعم از هنرمندان و دانشگاهیان، نیز به همین دلیل جشنواره را بایکوت کرده‌اند. لوچ در ادامه این نامه ضمن محکوم کردن رژیم اشـغالگر قدس به نسل‌کشی در غزه و اشـغال غیرقانونی سرزمین فلسطینی‌ها و همچنین ویرانی خانه‌ها و محل زندگی آنها می‌نویسد: «این بایکوت تا زمانی که اشغالگری ادامه دارد، شامل دولت اسرائیل خواهد شد. لوچ ۷۳ ساله در ماه می نیز با تهدید جشنواره ادینبورگ به خارج کردن فیلم خود از این جشنواره، موفق شد تا نام رژیم‌صهیونیستی را به‌عنوان یکی از اسپانسرهای این جشنواره حذف کند.

حمایـت از تحریـم مؤسسـات فرهنگـی اسرائیل

کـن لـوچ، همچنیـن ضمـن انتقـاد از جنایات رژیم‌صهیونیسـتی در فلسـطین، از فراخـوان فلسـطینیان مبنی بر تحریم مؤسسـات فرهنگی اسرائیل حمایت کرد.

لوچ گفت: فلسـطینی‌ها پس از بیـش از نیم قرن که از اشـغال سرزمین‌شـان، ویرانی خانه‌هایشان، ربوده شدن فرزندانشـان و به خاک و خون کشیدن تمدنشان می‌گذرد، اکنون دست به چنین فراخوانی زده‌اند. وی ضمن ابراز این مطلب که امید ندارد این بحران به این زودی‌ها پایان پذیرد، افزود: ما به‌عنوان شهروندان انگلیسی باید به وظیفه خود واقف باشیم. ما باید دولت‌های امریـکا و انگلسـتان را به خاطر حمایت و تجهیـز نظامی اسـرائیل محکوم کنیم. ما همچنین باید با اقدامات تروریسـتی دولت‌های امریکا و انگلستان در ترویج جنگ‌ها و اشغالگری‌های نامشروع مقابله کنیم.

«کن لوچ» همچنیـن به همراه دهها کارگردان و سینماگر دیگر بیانیه‌ای را برای عدم تمرکز جشنواره فیلم لوکارنو بر سینمای اسرائیل امضاء کردند.

این جشنواره سوئیسی پیش از آن اعلام کرده بود با همکاری صندوق فیلم اسرائیل بخشی از این رویداد سینمایی را به تمرکز بر سینمای اسرائیل اختصاص خواهد داد.

در این بیانیه فیلمسازان و فعالان عرصه سینما نگرانی خود را از همکاری جشنواره فیلم لوکارنو با صندوق فیلم اسرائیل ابراز کرده و از وزیر امور خارجه سوئیس که نقشی اساسـی در این ماجرا داشته است، انتقاد کرده‌اند. در بخشـی از این بیانیه آمده است: «ما از اینکه جشنواره لوکارنو قصد دارد در سالگرد قتل‌عام هزاران نفر از مردم فلسـطین در غزه در تابسـتان ۲۰۱۴، بخشـی را به تمرکز بر سـینمای اسرائیل تخصیص دهد، بسیار نگران و آشفته هستیم. تصمیم جشنواره لوکارنو در واقع پیروی از نژادپرست‌ترین رژیم در جهان است.

کن لوچ پیش از آن با ابراز تأسف و عصبانیت فراوان از کشـتار مردم در غزه عنوان کرده بود: کشور من (انگلیس) نیز بیشـرمانه از امریـکای قلدر پیروی می‌کند، اما ما بی‌قدر نیستیم و می‌توانیم با هم عمل کنیم و در اینجا پیشنهاد تحریم فرهنگی مطلق تمام رویدادهای تحت‌حمایت اسرائیل را مطرح می‌کنم؛ اسرائیل باید به یک دولت منفور مبدل شود. هیچ تیم فوتبالی از اسرائیل نباید در رقابت‌های اروپایی شرکت کند، نمی‌دانم چه زمانی آنها به اروپا پیوستند، چون جغرافی‌ام خیلی خوب نیست.

«لوچ» با ۱۲ بار حضور در بخش رقابتی جشنواره کن، رکورددار معتبرترین رویداد سینمایی جهان است. در میان تمام فیلمسازانی که تاکنون در بخش رقابتی نامزد نخل طلا بوده‌اند، ایـن کارگردان صاحب‌نام انگلیسی پرچمدار بی‌رقیب اسـت و تاکنون ۱۲ بار تا آستانه کسب این جایزه رفته است. فیلمسازی که بیش از ۷۳ جایزه سینمایی در کارنامه خود دارد.

مهجور بـودن کن لـوچ در افکار عمومـی ایرانیان اما مسـئله‌ای عجیب است. رسـانه‌های رسمی در ایران همواره به شکلی عمل کرده‌اند که اغلب مردم فکـر می‌کنند تنها صـدا علیه رژیم‌صهیونیسـتی در جهـان از ایران اسـت و ضعف این رسـانه‌ها در پیام‌رسـانی اجازه نمی‌دهد جامعه بـه این آگاهی برسد که اساساً رژیم‌صهیونیستی در دید بسیاری از مردم و شـخصیت‌های جهانـی رژیمی منفور به شـمار می‌رود و افرادی مشـهوری چـون کن لوچ شجاعانه از تریبون‌های هنری علیه این رژیم سخن می‌گویند. نکته مهم دیگر درباره سینمای لوچ احترام به تماشاگر است. در آثار انتقادی لوچ درباره جامعه انگلستان او یادش نمی‌رود که نباید از تماشاگر انتقام بگیرد و عصبانیتش را از وضع موجود با ریختن زهر تلخی به کام مخاطب جبران کند. از این منظر لوچ فیلمسازی انقلابی است که بدون حرکت در مسیر تنـدروی و افراط‌گرایی به ناملایمـات نقد می‌کند و برخلاف دسته‌ای از فیلمسـازان ایرانی مدعی به جامعه نگاهی از بالا ندارد و اتفاقاً در آثارش همواره خود را کنار طبقـه‌ای قرار می‌دهد کـه درباره آنها فیلم می‌سازد.

نمایی از فیلم «من، دانیل بلیک»